

## تاریخ‌نگاری در عصر صفوی:

### مطالعه‌ای درباره نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار افوشته‌ای نطنزی<sup>۱</sup>

محمد شورمیج<sup>۲</sup>

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ایران

#### چکیده

در این مقاله نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار افوشته‌ای نطنزی (زنده در ۱۰۰۷هـ.)، یکی از تواریخ مهم عصر صفوی، بررسی شده تا روش و نگرش او در تاریخ‌نگاری روشن گردد. همچنین برای ارزیابی جایگاه نقاوة الآثار در سنت تاریخ‌نگاری آن روزگار این کتاب با پنج کتاب تاریخی آن دوره مقایسه و سنجیده شده است. افوشته‌ای نطنزی، در تاریخ‌نگاری از روش‌هایی چون انسجام متن، پیوستگی روایات و استفاده از گزاره‌های ارجاعی برای توصیف بهتر متن بهره برده که بر ارزش تاریخ او افزوده است. تاریخ‌نگاری افوشته‌ای متأثر از نگرش شاهی آرمانی ایران‌شهری و نگرش تأویلی است. وی همچنین به نسبت مورخان دوره شاه عباس اول به خاطر تسلط بر آیات، احادیث و مضامین شعری، از نگرش تأویلی بیشتری در تفسیر رویدادها برخوردار است. نویسنده با وجود این نگرش، در صدد انعکاس واقعیت تاریخی بوده و تا حدودی نیز در بیان آن موفق بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ‌نگاری دوره صفوی، نقاوة الآثار، افوشته‌ای نطنزی، روش و نگرش تاریخ‌نگاری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۳۰

۲. رایانامه: m.shoormeij9@pnu.ac.ir

## مقدمه

هر مورخی محصول فرهنگ زمان و مکان خود است و بر پایه شناخت عمومی جامعه و معرفت شخصی خود، فهمی خاص از تاریخ به دست می‌آورد و معرفت حاصل را در نگارش تاریخ به کار می‌گیرد. لذا شناسایی زمانه و بینش مورخ، در درک درست تاریخ‌نگاری اش ضروری است. مطالعه و تفحص درباره روش و بینش تاریخ‌نگاری یک مورخ، تلاشی معرفت‌شناسانه است. بی‌تردید مطالعات معرفت‌شناسانه در تقویت مبانی دانش تاریخ‌نگاری نقش به‌سزایی دارد. لذا برای کار بیشتر در این عرصه نیازمند بررسی مقایسه‌ای و انتقادی است. در اوایل دوره صفویه، بیشترین نگرش و بینش مورخان را ایدئولوژی دینی و تحولات سیاسی حکومت صفوی تشکیل می‌داد و روش کاری آن‌ها نیز بر مبنای همین تحولات شکل می‌گرفت. با گذشت زمان و تثبیت حکومت صفویه به‌ویژه زمان شاه عباس اول، بینش و نگرش مورخان گسترده‌تر شد و آن‌ها علاوه بر تحولات سیاسی، مسائل اجتماعی و اقتصادی را هم مدنظر قرار دادند. نقاوة الآثار از جمله این منابع می‌باشد که در آن این تغییر نگرش می‌توان دید.

افوشته‌ای نطنزی از مورخان دیوانسالار و منشیان اهل قلمی است که به دلیل تخصص کاری، به مدارک و منابع حکومتی دسترسی داشته و علاوه بر آن، ساختار سیاسی حکومت و پدیده‌های اطراف آن، تأثیر زیادی بر نگرش تاریخ‌نگاری اش گذاشته است. وی در نقاوة الآثار به ترتیب موضوعی و با رعایت زمانمندی وقایع به نگارش تحولات مهم سیاسی زمانش پرداخت و در کنار آن به تاریخ اجتماعی به‌ویژه وضع اجتماعی منطقه خود در نطنز کاشان هم توجه داشته است. برای بررسی تاریخ‌نگاری افوشته‌ای نطنزی، ابتدا باید به تاریخ‌نگاری عصر صفوی توجه کرد. ویژگی‌های تاریخ‌نگاری روزگار صفویه را محمدباقر آرام در اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی به درازا و جهانبخش ثواقب در تاریخ‌نگاری عصر صفویه به کوتاهی بررسی کرده‌اند و در این جا نیازی به تکرار آن‌ها نیست.<sup>۳</sup> هدف نگارنده در

۳. آرام، ۱۵۹-۳۴۹؛ ثواقب، ۲۲-۲۴.

قسمت روش تاریخ‌نگاری، بررسی بیان علی مورخ، انسجام محتوای متن کتاب و چگونگی استفاده از گزاره‌های ارجاعی شعری، آیات و احادیث در روش تاریخ‌نگاری افوشته‌ای نطنزی می‌باشد که به نسبت منابع معاصرش موفق‌تر بود. در قسمت تاریخ‌نگاری و نگرش مورخ نیز، نگارنده به برخی نگرش‌های مشترک متون رسمی دوره صفوی مانند نگرش سلطنت‌گرایانه، نخبه‌گرایانه به کارگزاران دولتی و تقدیرگرایانه و مشیت الهی که در اکثر متون رسمی صفوی دیده می‌شود، نظری نداشته و به دنبال بررسی نگرش شاهی آرمانی ایران‌شهری و تأویل‌گرایانه در متن نقاوة الآثار است که به نسبت متون معاصرش، بیشتر از آن‌ها بهره گرفته‌است. این مقاله در پی پاسخ به سه پرسش است: ۱. افوشته‌ای نطنزی در نگارش تاریخ از چه روشی بهره برده؟ ۲. تاریخ‌نگاری او مبتنی بر چه نگرش‌هایی است؟ ۳. نقاوة الآثار در مقایسه با تواریخ هم‌روزگارش در تاریخ‌نگاری صفوی چه جایگاهی دارد؟

### درباره افوشته‌ای نطنزی

محمود بن هدایت‌الله افوشته‌ای نطنزی با استناد به دیباچه کتابش که در سن شصت سالگی (۹۹۸ هـ) شروع به نگارش آن کرد، باید حدود سال ۹۳۸ هـ متولد شده باشد.<sup>۴</sup> از زندگی وی اطلاع اندکی در دست است. به نظر مصحح کتاب در پیش‌گفتار، وی با وجود نزدیکی به دستگاه حکومت صفوی، گوشه‌گیری و سلامت را بر صحبت امرا و ارکان دولت ترجیح می‌داد.<sup>۵</sup> به استناد متن کتاب، یکی از شاهزادگان صفوی برای پدرش که از صلحا و اتقیای روزگار بود، خانه‌ای خرید. همین امر می‌توانست در نگرش افوشته‌ای نطنزی نسبت به صفویان تأثیرگذار باشد.<sup>۶</sup> به احتمال زیاد از خاستگاه دیوانی برخوردار و دارای شغل دیوانی

۴. افوشته‌ای نطنزی، ۶؛ و.ر.ک. کویین، ۲۵؛ اشراقی، بیست و سه.

۵. اشراقی، بیست و چهار.

۶. افوشته‌ای نطنزی، ۵۰. احسان اشراقی در پیش‌گفتار کتاب نوشته‌است، نطنزی در دیباچه کتاب آورده‌است که بهرام میرزا این کار را کرد (اشراقی، شانزده و بیست و دو). این مطلب در نسخه جدید نقاوة الآثار چاپ (۱۳۷۳)، در

و کتابت بود. به روایت خودش در دیباچه، از آغاز جوانی تا غایت عمر که به شصت رسیده بود، پیوسته به خواندن و نوشتن کتب، قصص، حکایات و استماع احادیث و روایات و نقل اخبار و نظم اشعار مایل و راغب بود.<sup>۷</sup> این خصیصه وی در متن نقاوة الآثار کاملاً مشهود است.

### تاریخ از نگاه افوشته‌ای نطنزی

افوشته‌ای نطنزی از سال ۹۹۸ هـ شروع به نگارش تاریخ خویش کرد و در سال ۱۰۰۷ هـ حدود شصت و نه سالگی و در اوج تجربه و پختگی آن را به اتمام رساند.<sup>۸</sup> کتاب بخشی از تاریخ دوره صفوی از واپسین ایام زندگی شاه طهماسب اول تا یازدهمین سال پادشاهی شاه‌عباس اول (۱۰۰۷ هـ) را در برمی‌گیرد. افوشته‌ای در دیباچه کتاب، انگیزه خود را از نگارش تاریخ، محافظت فن تاریخ، ضرورت ثبت وقایع بزرگ دوره زندگی خود برای آیندگان مانند تنبیه یعقوب‌خان ذوالقدر در فارس و علاقه به تاریخ می‌داند.<sup>۹</sup> او همچنین درباره لزوم نگارش تاریخ چنین می‌نویسد: «... خلاصه اخبار عالم و عالمان و نقاوة الآثار آدم و آدمیان که مطالعه و ملاحظه آن موجب نزهت قلوب و افغان و باعث صیقل مرآت خیال عارفانست، منوط و مربوط به نظام تواریخ مورخان بحر بیان و قوام تحریر منشیان بلاغت نشان عطارد شأنست و اطلاع بر بدایع وقایع و سوانح احوال پادشاهان صاحب اقبال و انکشاف حالات سلاطین عدیم الامثال از فحایع عبارات متکلمان فصاحت آثار و مطلوب استعارات مترسلان بلاغت اطوار که نتایج ارقام خامه عنبرین شمامه ایشان بر صفایح و

متن کتاب و بدون اشاره مستقیم به بهرام میرزا و در قسمت کشته شدن سلطان ابراهیم میرزا آمده است (نطنزی، ۵۰).

۷. افوشته‌ای نطنزی، ۶.

۸. همو، ۶، ۶۱۲.

۹. همو، ۵-۶، ۸-۷.

صحایف دوران است ...»<sup>۱۰</sup>. روشن است که تاریخ در نظر افوشته‌ای نطنزی ذکر احوال و حالات شاهان و بزرگان و رویدادهای روزگار آنان بود. از این نظر تاریخ برای او همچون دیگر مورخان سنتی روایت زندگی و کارنامه «انسان‌های مهم» بوده است.<sup>۱۱</sup> البته این روایت و گزارش‌ها به تعبیر باستانی پاریزی سرمایه‌های اولیه تاریخ هستند و هرگز نباید آن‌ها را از تاریخ بیرون کرد و به نوعی تاریخ با آن‌ها زنده است.<sup>۱۲</sup>

افوشته‌ای با بهره‌گیری از قرآن و احادیث در شرح رویدادهای تاریخی، تاریخ را با آموزه‌های اخلاقی همسو قرار داده است. او همچون دیگر مورخان مسلمان، تاریخ را علم، دانش منظم، کهن و مرکب از علم ادیان و ابدان تلقی می‌کردند که معرفتی با هدف کسب خیر دنیوی برای انسان و جامعه بشری داشت.<sup>۱۳</sup> افوشته‌ای با رویکردی مثبت به تاریخ، درصدد استخراج درس‌های اخلاقی از رویدادهای تاریخی بود. او بیش از هرچیزی بر سودمندی و عبرت‌آموزی تاریخ تأکید داشته است تا انسان بتواند با آگاهی از تاریخ، بهتر زیست کند و حکام خود را بشناسد. لذا تاریخ و اخلاق را همسو با هم در نظر دارد.<sup>۱۴</sup>

### روش تاریخ‌نگاری افوشته‌ای

تاریخ‌نگاری در معنای دقیق آن مجموعه‌ای متنوع از رویکردها، روش‌ها و تفسیرهای هستند که مورخان درباره یک موضوع معین به کار می‌گیرند.<sup>۱۵</sup> از نظر دسته‌بندی تاریخ‌نگاری، نقاوة الآثار، از نوع تاریخ‌نگاری سلسله‌ای یا دودمانی است که به قول «روزنتال» در چنین

۱۰. افوشته‌ای نطنزی، ۳-۶.

۱۱. استنفورد، ۱۷.

۱۲. باستانی پاریزی، ۴۶۲.

۱۳. ترکمنی‌آذر، ۶۷.

۱۴. نک. ادامه مقاله.

۱۵. براندیج، ۱۲۳.

تاریخ‌نگاری‌هایی بر خصایل اخلاقی و معنوی حاکم آن سلسله تأکید می‌شود.<sup>۱۶</sup> در تاریخ‌نگاری دوره صفوی، نمی‌توان مورخانی چون افوشته‌ای نطنزی را با روش‌شناسی سامانمند تحلیل کرد اما فارغ از روش هم نیستند. لذا از درون متن نقاوة الآثار می‌توان روش تاریخ‌نگاری وی را استخراج و بررسی کرد. برای این مهم به برخی از مؤلفه‌های روش‌شناسی از جمله سبک نگارش، منابع مورد استفاده، انسجام و پیوستگی متن، روش علمی و گزاره‌های دلالت‌گر برای بیان متن توجه شده است.

#### ۱. استفاده از بیان علمی ساده در شرح رویدادها

افوشته‌ای نطنزی در اثرش به روایت صرف اتکا نکرده بلکه در برخی موارد سعی نموده است، پیش زمینه و علل رویداد را، هرچند به صورت سطحی بیان کند که از این حیث قابل توجه است.

در مورد شاه اسماعیل دوم به تأثیرات بیست و یک سال زندانی شاه در قلعه قهقهه اشاره دارد و می‌نویسد، همین امر سبب کم‌صبری، آلودگی به مخدرات و فراموشی مملکت‌داری و در نهایت سبب مرگش شد.<sup>۱۷</sup> نمونه دیگر در مورد خان احمد دوم است که انتصابش به ایالت گیلان در دوره تهماسب اول و بعد عزل و انتصاب مجددش در زمان محمدخدا بنده را هر چند با بیان ساده علمی طرح می‌کند<sup>۱۸</sup> ولی نسبت به منابع همسو خود مثل عالم آرای عباسی و خلاصه التواریخ، حوادث را بیشتر علت‌یابی کرده است و علت اصلی را این‌گونه می‌نویسد: «غرض اصلی از تنبیه و تأدیب خان، تسخیر بلاد گیلان بود».<sup>۱۹</sup> البته علت‌های دیگری چون تکبر و غرور خان احمد و عدم ارسال پیشکش و مقابله با فرهادخان در دیلمان

۱۶. روزنتال، ۱۰۵/۱.

۱۷. افوشته‌ای نطنزی، ۶۱-۵۹.

۱۸. همو، ۶۶-۶۹.

۱۹. همو، ۴۰۱.

و مخالفت گیلانی‌ها را هم اشاره نموده است.<sup>۲۰</sup> وی قتل محمدخان ترکمان را به‌خاطر زیاده‌خواهی و رقابت با امرای چون مرشدقلی‌خان<sup>۲۱</sup> و همچنین کشته شدن یعقوب‌خان ذوالقدر را با بیان علی ذکر نموده است.<sup>۲۲</sup> افوشته‌ای، شورش برخی از امرای سابق در گیلان و خلق و خوی سرکش مردم آن‌جا را علت فتح مجدد آن در زمان شاه عباس می‌داند.<sup>۲۳</sup> همچنین خودسری، غرور و استقلال طلبی شاهوردی خان لر را به عنوان علل سرکوبی وی اشاره کرده است.<sup>۲۴</sup> نویسنده در شرح حوادث آذربایجان، خراسان، ازبک‌ها و عثمانی، بیشتر بیان توصیفی دارد و علل برخی از مسایل را به مانند مورخان معاصرش به قضا و قدر الهی و کفایت سلطان صفوی نسبت داده است.<sup>۲۵</sup>

## ۲. استناد به منابع و سبک نگارش کتاب

افوشته‌ای نطنزی در روش تاریخ‌نگاری خود، منابع مورد استفاده و مستندات را ذکر نمی‌کند. این روش می‌تواند در سنجش اعتبار اثرش تأثیرگذار باشد. زیرا ارزش و اعتبار یک اثر، از روی اعتبار و ارزش مآخذ آن محاسبه می‌گردد.<sup>۲۶</sup> به احتمال قریب به یقین از منابع مکتوب دیوانی و اخوانیات، سلطانیات و مشاهدات عینی خود و دیگران و منابع مکتوب تاریخی، استفاده کرده است.<sup>۲۷</sup> از اسناد، فقط نامه‌های عبدال‌مومن ازبک به شاه عباس و جواب

---

۲۰. افوشته‌ای نطنزی، ۳۹۹-۴۰۰.

۲۱. همو، ۳۱۰-۳۱۳.

۲۲. همو، ۳۵۷-۳۶۰.

۲۳. همو، ۴۷۷-۴۷۸، ۵۴۰-۵۴۱.

۲۴. همو، ۴۸۶، ۴۸۸-۴۸۹.

۲۵. همو، ۷۶، ۱۱۲، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۷۵، ۳۰۶، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۸۲، ۴۴۸، ۵۹۷-۵۹۸.

۲۶. زرین‌کوب، ۱۶۳.

۲۷. ثواقب، ۵۸؛ اشراقی، بیست و هفت.

نامه‌های شاه را آورده است،<sup>۲۸</sup> که احتمالاً از یک منبع متقدم‌تر از خود یا اسناد اداری اخذ نموده است. همچنین با مقایسه محتویات افوشته‌ای نطنزی و نامه‌های خان‌احمد در مورد وقایع گیلان،<sup>۲۹</sup> می‌توان حدس زد که وی در نگارش خود به اسناد دیوانی و اداری دسترسی داشته است.

سبک نگارش اثر مذکور، به شیوه متکلفانه و توأم با عبارت پردازی و دارای جملات طولانی است.<sup>۳۰</sup> علاقه مؤلف به شعر و شاعری سبب گردید تا در موضوعات گوناگون تاریخی، به ساختن اشعاری همت گمارد که تمامی آن‌ها به جز یک بیت از آئینه سکندری امیر خسرو دهلوی، طبع شعری اوست.<sup>۳۱</sup> در این سبک، نگارش ادبی بر نگارش تاریخی آن غلبه دارد و در قامت ادیب مورخ ظاهر گشته است.

در نقاوه الاثار، سال‌نگاری وقایع و ترتیب زمانی آن به شیوه موضوعی و برحسب وقایع هر پادشاه تنظیم شده است. نویسنده در توصیف بسیاری از رویدادها، کمتر به ذکر زمان وقایع جزئی پرداخته و اهمیت موضوعی وقایع را بر ذکر زمان جزئی آن ترجیح داده است.

### ۳. دقت و انسجام محتوایی متن

از نکات مهم در روش تاریخ‌نگاری افوشته‌ای نطنزی، دقت و انسجام محتوای متن در تبیین بسیاری از رویدادها است. افوشته‌ای با استفاده از اصطلاحاتی چون «القصه، بیان این اجمال، حاصل قضیه آن‌که، توضیح این ابهام آن‌که، قول اصح، والعلم عندالله»، تلاش کرد تا مطالب را مختصر، مفید، درست و دقیق ذکر کند.<sup>۳۲</sup> نکته مهم، نگارش منسجم وقایع و

۲۸. فوشته‌ای نطنزی، ۴۱۵-۴۱۷؛ ۴۱۷-۴۲۰؛ ۴۲۴-۴۲۷؛ ۴۳۱-۴۳۴؛ ۵۵۶-۵۶۳.

۲۹. نوزاد، ۶۶-۷۸.

۳۰. بهرام‌نژاد، ۲۵۲.

۳۱. افوشته نطنزی، ۶-۷، ۱۰-۱۱.

۳۲. همو، ۱۳، ۵۸-۵۹، ۶۱، ۶۳، ۸۸، ۱۰۱، ۱۴۷.



توصیف درست رویدادهای تاریخی، صرف‌نظر از نگرش رسمی مورخ است. مورخ حوادث مهم دوره شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده و به خصوص شاه عباس اول، شهر کاشان و درگیری‌های قزلباش‌ها را به طور مختصر و مفید و با انسجام محتوایی شرح داده‌است.

#### ۴. مقدمه‌سازی برای ورود به متن

افوشته‌ای نطنزی برای تبیین بهتر رویدادها، در برخی موارد مقدمه‌سازی‌های منطقی برای ورود به موضوع اصلی متن دارد. برای نمونه، در مورد شورش قلندرها در زمان محمد خدابنده، ابتدا مقدماتی ذکر و بعد به شرح آن می‌پردازد: «توضیح این مقال و تصریح این مثال آن‌که، بنابر مقدمه سابقه که مذکور شد، در تاریخ ۹۸۶ در حدود ولایت کوه کیلویه قلندری پیدا شده...»<sup>۳۳</sup> همچنین برای سلطنت شاه عباس اول، با استفاده از آیات، روایات و شعر به بیان مقدمات سلطنتش می‌پردازد.<sup>۳۴</sup>

#### ۵. استفاده از گزاره‌های دلالت‌گر

افوشته‌ای نطنزی، با استفاده از گزاره‌های دلالت‌گری چون گزاره‌های شناختی و ارجاعی به آیات، احادیث و شعر، به شرح حوادث می‌پردازد. برای نمونه موضوعاتی چون عاقبت سرکشی از سلطان<sup>۳۵</sup> و سرکشی امرای قزلباش و پناهندگی آن‌ها به گیلان و عدم اهدای پیشکش و عدم تقرب خان احمد دوم به شاه در دیلمان گیلان<sup>۳۶</sup> را با این گزاره‌ها تشریح

---

۳۳. افوشته نطنزی، ۱۱۷.

۳۴. همو، ۲۴۵-۲۴۶؛ ۲۸۰-۲۸۵.

۳۵. همو، ۳۸۸-۳۹۱.

۳۶. همو، ۳۹۳-۳۹۹، ۴۶۵.

تنبیه و تأدیب آن‌ها را با همین گزاره‌ها، لازم و واجب دانسته است.<sup>۳۷</sup> همچنین افوشته‌ای نظنزی، با استفاده از گزاره‌های شعری، در جاهای مختلف متن نقاوة الآثار به تبیین بهتر حوادث تاریخی می‌پردازد. برای نمونه، هجوم سپاه سلطان مراد عثمانی در سال ۹۸۸هـ به مرزهای آذربایجان<sup>۳۸</sup> و آمادگی سپاه صفوی برای نبرد با عثمانی در سال ۹۹۳هـ را با نظم شعری می‌ستاید.<sup>۳۹</sup> نتیجه این‌که، در نگارش نقاوة الآثار از گزاره‌های ارجاعی شعری برای تبیین بهتر رویدادها، استفاده بسیاری شده است و مهم‌تر این‌که این شعرها، از تراوشات فکری خود نویسنده است.

### بینش و نگرش

منظور از بینش مورخ، دیدگاه و نگرش مورخ درباره تاریخ و علل ایجاد رخدادهای تاریخی و تأثیرات آن است. از آن‌جا که تمامی منبع هم‌زمان با نقاوة الآثار از نگرش سلطنت‌گرایانه و نخبه‌گرایان نسبت به دولت مردان صفوی و بینش مشیت‌الهی در تبیین رویدادها برخوردارند، لذا فقط دو مؤلفه، نگرش شاهی آرمانی و تأویلی مورخ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. شاهی آرمانی ایران‌شهری

یکی از مهم‌ترین جریان‌های اندیشه‌سیاسی در ایران دوران اسلامی، تداوم اندیشه شاهی آرمانی ایران‌شهری باستان است. شاه در اندیشه مذکور از ویژگی‌های چون تأیید الهی، دادگستری، دانایی، فضیلت، پارسایی، بانی امنیت برخوردار است. بر مبنای این اندیشه، مشروعیت حکومت بر پایه فره‌ایزدی، عدالت، مردم‌داری،

---

۳۷. افوشته نظنزی، ۳۹۹.

۳۸. همو، ۱۰۱.

۳۹. همو، ۲۰۲.

خردگرایی و مشورت با عقلاء تئوری‌پردازی می‌شود.<sup>۴۰</sup> در این اندیشه، پیوند و نزدیکی دین و دولت با مفهوم یافتن فره‌ایزدی در ظل‌الله ظهور می‌یابد و دیانت وسیله‌ای در خدمت مشروعیت بخشیدن به اساس قدرت سیاسی و قوام گرفتن ملک و مملکت قرار می‌گیرد.<sup>۴۱</sup> با ذکر چنین مقدماتی، نگرش شاهی آرمانی افوشته‌ای در نقاوة الآثار تبیین می‌گردد.

افوشته‌ای نطنزی، با استناد به آیات قرآن و احادیث، اسباب سلطنت و پادشاهی را به تأییدات الهی و فیض نامتناهی نسبت می‌دهد.<sup>۴۲</sup> همچنین، در مشروعیت‌سازی شاه تهماسب اول می‌نویسد: «... از ابتدای ظهور ملت اسلام الی یوم‌القیام هیچ‌یک از پادشاهان عالم بلکه فردی از افراد بنی آدم را این سعادت دست نداده که به این مثابه در متابعت حضرات اهل بیت کوشیده باشد و تقویت و تربیت دین و ملت کرده...».<sup>۴۳</sup>

نویسنده با توجه به این نگرش، شاه اسماعیل دوم را در زمینه انصاف، عدالت و رعایت حق رعیت تا سر حد اجتهاد وصف می‌کند.<sup>۴۴</sup> در حالی که پژوهش‌های معتبر حکایت از این دارد که شاه مذکور در مملکت‌داری و کنترل امور داخلی موفق نبوده است.<sup>۴۵</sup>

اوج نگرش شاه آرمانی افوشته‌ای نطنزی مربوط به شاه عباس اول است. القاب متعددی چون «سلطان سلاطین عرب و عجم» و «حارس بلاد ایمان و ناشر عدل و احسان» به او نسبت داده است.<sup>۴۶</sup> وی، شاه عباس اول را همچون خلیفه مسلمین توصیف کرد که بساط نمرود صفتان را درنوردید و به شکلی که عموم مردم شیوه او را پسندیده و اظهار بندگی

۴۰. طباطبایی، ۱۳۷۵، ۹۷.

۴۱. طباطبایی، ۱۳۶۸، ۲۳.

۴۲. افوشته‌ای نطنزی، ۲۴.

۴۳. همو، ۱۵.

۴۴. همو، ۴۲-۴۳، ۵۶.

۴۵. هینتس، ۹۷-۱۱۲؛ رویمر، ۶۷؛ فلسفی، ۲۸/۱-۳۰؛ نوایی و غفاری‌فرد، ۱۴۹-۱۵۰.

۴۶. افوشته‌ای نطنزی، ۹.

کردند.<sup>۴۷</sup> نویسنده با همین نگرش به حکومت شاه عباس اول مشروعیت می‌بخشد و می‌نویسد، تعدی و ستم از رعایای بیچاره برداشته و عدالت را برقرار کرد.<sup>۴۸</sup> وی به شاه لقب «سلطان العادل ظل الله» داده<sup>۴۹</sup> و اطاعت از شاه را واجب و متابعت از امر خدا می‌داند.<sup>۵۰</sup> به نظر وی پادشاه، دادگر، نماد فضیلت، دانایی و آسایش مردم است.<sup>۵۱</sup> وی معتقد است، وجود شاه راستگو و دادگر، صلح و آسایش و رفاه برای مردم پدید می‌آورد.<sup>۵۲</sup> این نوع نوشتار، بیانگر احیاء گفتمان ایرانشهری در عصر صفوی است.

## ۲. تأویل‌گرایی

در این پژوهش، تأویل به معنای تبیین چیزی مبهم با الفاظی روشن یا شناخت رموز پدیده‌های درک ناشدنی نیست.<sup>۵۳</sup> بینش تأویلی به تاریخ، نوعی مصادره به مطلوب آیات و احادیث است که در منابع تاریخ‌نگاری صفوی به وفور دیده می‌شود.<sup>۵۴</sup> منظور از نگرش تأویلی افوشته‌ای نطنزی، نوعی استفاده مناسب از قرآن و احادیث در تبیین بهتر حوادث تاریخی است. وی به تخت سلطنت نشستن اسماعیل دوم را با تفسیری تأویلی بیان می‌کند<sup>۵۵</sup> و در ادامه، درباره سلطنت وی چنین می‌نویسد: «اذا اراد الله بقوم خیرا سلط علیهم ملکا عالما عادلا».<sup>۵۶</sup> افوشته‌ای نطنزی وقتی از شکست و فرار محمدگرای خان تاتار

۴۷. افوشته نطنزی، ۲۸۱.

۴۸. همو، ۲۸۲.

۴۹. همو، ۲۸۳.

۵۰. همو، ۳۸۷.

۵۱. همو، ۲۰۳-۲۰۴، ۳۰۷ و غیره.

۵۲. همو، ۱۱۲-۱۵۹؛ ۲۸۲-۲۸۳.

۵۳. ساروخانی، ۵۱۱/۱.

۵۴. آرام، ۲۴۶.

۵۵. افوشته‌ای نطنزی، ۳۱.

۵۶. همو، ۵۵.

می‌نویسد، با استفاده از آیات ۵۰ و ۵۱ سوره المدثر و آیه ۱۸ سوره ابراهیم، تفسیر تأویلی از آن دارد.<sup>۵۷</sup> در مورد سلطان محمدخدابنده با نگرش تأویلی چنین می‌نویسد: «... آثار علو رتبه پادشاه سلیمان شأن بساط شکوه [الذی عنده علم من الکتاب] را به قوت و معاضدت [و آتیناه الحکمه و فصل الخطاب] در نوردید.<sup>۵۸</sup>

نویسنده در تشریح حوادث تاریخی دوره شاه عباس اول، با نگرش تأویلی و به شکلی ظریف از آیات قرآن استفاده نموده است. مثلاً در شرح مخالفت بعضی از امرای بزرگ با شاه عباس اول و نحوه برخورد شاه با این مخالفت چنین می‌نویسد: «... بعد از اندک زمانی بعضی از آن‌ها نادم و پشیمان گردیده و از هاتف دولت ندای خیرانتمای توبو الی لله جمیعا ایها المومنون استماع نموده روی توجه به آن قبلة اقبال و کعبه امانی و امال آوردند و پادشاه به موجب وهوالذی یقبل التوبه من عباده و یعفو عن السیآت قلم عفو و اغماض... کشیده...»<sup>۵۹</sup>.

افوشته‌ای نطنزی به تخت سلطنت نشستن شاه عباس اول را به وسیله آیات، احادیث و علم نجوم تفسیر تأویلی می‌کند.<sup>۶۰</sup> البته نگرش نویسنده نسبت به شاه عباس اول، در حقیقت بازخورد زمانه و علاقه وی به شاه صفوی است. استفاده از نگارش تأویلی در این بخش از کتابش، برای توجیه سلطنت شاه عباس اول نیست بلکه برای توصیف بهتر سلطنتش است مثلاً مخالفت برخی امرا و مقهورشدن آن‌ها توسط شاه عباس را با آیه‌ای آغاز و تفسیر می‌کند.<sup>۶۱</sup>

در یک مقایسه کلی از نگرش نخبه‌گرایان و مشیت‌گرایانه نویسنده با نگرش تأویلی وی

۵۷. افوشته نطنزی، ۱۰۸.

۵۸. همو، ۶۵.

۵۹. همو، ۳۹۱.

۶۰. همو، ۲۴۷-۲۴۸، ۲۷۹-۲۸۳.

۶۱. همو، ۳۸۶-۳۹۱.

در نقاوة الآثار، به روشنی می‌توان دریافت، نگرش تأویلی در تمامی صفحات کتابش دیده می‌شود که بیانگر تسلط بالای نویسنده به آیات قرآن، احادیث و ادبیات است اما از دو نگرش قبلی، بیشتر در بخش تحولات زمان شاه عباس اول استفاده شده است.

### رویکرد افوشته‌ای نطنزی به تاریخ اجتماعی

افوشته‌ای نطنزی، علاوه بر شرح رویدادهای مهم سیاسی، به تاریخ اجتماعی و در موارد نادر نیز به تاریخ اقتصادی توجه دارد. برای نمونه در شرح رویدادهای دوره شاه اسماعیل دوم، وقتی به کاشان و نطنز اشاره می‌کند، از قیمت برنج و گندم آن‌جا هم اشاره دارد. وی به‌طور خلاصه چنین می‌نویسد: «شخصی چند خروار برنج و گندم به نطنز آورد... برنج یک من تبریز، هشتاد دینار تبریزی و گندم یک من به چهل دینار می‌فروخت... خبر جلوس پادشاه... رسید... به اراده خود گندم به یک من، به بیست دینار و برنج به چهل دینار مقرر کرد و این از آثار معدلت پادشاه عدالت دستگاہست...».<sup>۶۲</sup> این داده، در ظاهر بیانگر عدالت و رعیت‌پروری شاه اسماعیل دوم می‌باشد ولی نگرش شاهی آرمانی مورخ سبب چنین نگارشی شد و تقلیل قیمت غلات به احترام و اعتبار پادشاه و بدون حکم وی صورت گرفته است و ربطی به عملکردش ندارد.

وی در بررسی تاریخ اجتماعی، رونق و رفاه مردم را به شخص شاه و لیاقتش مرتبط می‌داند، لذا می‌نویسد: «حاصل آن که در زمان دولت آن پادشاه عدالت پناه [اسماعیل دوم] عامه رعایا و کافه برآیا در مهد امن و امان بوده...».<sup>۶۳</sup> در ادامه، مورخ ناخوشی و تیره‌بختی مردم را به حساب عدم استحقاق خلق و کفران نعمت مردم نسبت می‌دهد.<sup>۶۴</sup> وی، مرگ پادشاه (اسماعیل دوم) را سبب بروز انواع فترات و آشوب‌ها و قتل و غارت و ستم بر مردم و

۶۲. افوشته نطنزی، ۵۷.

۶۳. همو، ۵۸.

۶۴. همانجا.

قحطی و رواج انواع آفات و تلفات می‌داند.<sup>۶۵</sup> به استناد چنین داده‌های، هاشم آقاجری، آن را به ماهیت حکومت مردم‌داری و محبوبیت مردمی شاه اسماعیل دوم تعبیر می‌کند.<sup>۶۶</sup> ولی باید گفت که در بینش چنین مورخی، تاریخ‌نگاری اجتماعی، تحت تأثیر اندیشه شاهی آرمانی قرار داشته و مردم‌داری و لیاقت شاه را اثبات نمی‌کند.

افوشته‌ای نطنزی به نظم و امنیت اجتماعی در تاریخ‌نگاری‌اش توجه دارد، عملکرد خودسرانه قزلباش‌ها را عامل اصلی عدم امنیت و تیره‌روزی مردم می‌داند و از اوضاع خرابی عمارات و بازارهای مردم در این زمینه گزارش‌های می‌دهد.<sup>۶۷</sup> برای نمونه در سال ۹۸۸ هـ که زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده بود، خرابی و آشوب ایالت شروان را به عملکرد محمد خلیفه ذوالقدر حاکم آن‌جا مرتبط دانسته است.<sup>۶۸</sup> همچنین در مورد خرابی سبزوار چنین می‌نویسد: «... زمانی که لشکر قزلباش، حاکم منطقه حسین بیگ را محاصره کردند... و در نهایت وارد شهر شدند... هر چه خواستند، انجام دادند... آن‌چه لشکر مغول در زمان چنگیزخان بر مردم خراسان نکردند، آن‌ها بر مردم سبزوار کردند».<sup>۶۹</sup>

افوشته‌ای نطنزی، اوضاع اجتماعی و اقتصادی خراب کاشان و نطنز را ناشی از عملکرد نامناسب امرای قزلباش از جمله مرتضی قلی‌خان پرناک می‌داند.<sup>۷۰</sup> در یک مورد چنین شرح می‌دهد: «شهر کاشان از ظلم و تعدی و دست‌اندازی آن ضحاک سیرت فرعون... به مرتبه‌ای ویران گردید... مکان جغد و روباه گشت و به‌جای استادان شعرباف، عنکبوتان به نساجی پرداخته و در آن شهر خرابی به صد درجه از درون عاملان ظالم

۶۵. افوشته نطنزی، ۶۱-۶۲.

۶۶. آقاجری، ۱۸۷.

۶۷. افوشته‌ای نطنزی، ۱۵۱-۱۵۲.

۶۸. همو، ۱۰۱.

۶۹. همو، ۱۵۱.

۷۰. همو، ۲۰۱-۲۰۵.

درگذشت».<sup>۷۱</sup> لذا به دلیل عملکرد قزلباش‌ها، نگاه مثبتی به آن‌ها ندارد.

افوشته‌ای نطنزی به نظام مالیاتی و مالی کاشان نیز توجه دارد و اطلاعات خوبی از مالیات در نطنز می‌دهد و عملکرد مناسب مستوفیان را به کاردانی شاه عباس اول ربط می‌دهد، چنین می‌نویسد: «چون تعدی و تغلب ارباب عمل بر شاه واضح شد، دستور داد جمیع زرهای بی حساب که از رعایا می‌گرفتند و قرب دوهزار تومان می‌شد، به مبلغ سیصد تومان تبریزی مقطع نموده، مقرر شد این را تحصیل‌داران بر رفق و مدارا از رعایا بگیرند».<sup>۷۲</sup> همچنین از میزان اقطاع داری مملکت فارس به مبلغ ۱۲۰ هزار تومان تبریزی به مدت سه سال در دوره شاه عباس اول اشاره دارد.<sup>۷۳</sup>

مورد دیگر این‌که، مورخ علاوه بر توجه به شخصیت‌های بزرگ و سران قبایل مانند فرهاد خان قرامانلو، یعقوب خان ذوالقدر و شاهوردی خلیفه شاملو،<sup>۷۴</sup> به زندگی عامه مردم و طبقات پایین جامعه به خصوص در مواقع خاص مانند محاصره شهرها یا غارت و بدرفتاری آن‌ها توسط قزلباش‌ها توجه دارد. وی در محاصره شهر مشهد توسط ازبک‌ها، به اوضاع بد معیشتی و زندگی عامه مردم اشاره دارد.<sup>۷۵</sup> همچنین از وضعیت نامناسب مردم سبزوار و کاشان به خاطر عملکرد بد قزلباش‌ها گزارش می‌دهد.<sup>۷۶</sup>

حوادث و بلایای طبیعی چون زلزله، سیل و طاعون از موضوعات دیگر تاریخ اجتماعی است که مورد توجه افوشته‌ای نطنزی قرار گرفت. برای مثال، در ذکر وقایع سال ۱۰۰۱هـ، از وقوع بلایای طبیعی در آذربایجان از جمله به وقوع زلزله پیاپی در تبریز، میانه،

۷۱. افوشته نطنزی، ۲۳۰.

۷۲. همو، ۴۶۱.

۷۳. همو، ۴۵۸.

۷۴. همو، ۳۳۶-۳۴۰؛ ۳۴۲-۳۶۱؛ ۶۰۴-۶۱۲.

۷۵. همو، ۳۶۹-۳۷۲.

۷۶. همو، ۱۵۱-۱۵۲؛ ۲۰۱-۲۰۵.



سراب<sup>۷۷</sup> و زلزله در لار و طغیان زاینده رود در اصفهان<sup>۷۸</sup> گزارش می‌دهد.<sup>۷۹</sup> وی سال ۱۰۰۱ هـ را سال بلایای طبیعی و خرابی کشور یاد می‌کند.<sup>۸۰</sup> نویسنده پیامدهای اجتماعی بلایا مذکور را هم پی‌گیری می‌کند و می‌نویسد، در بهار سال ۱۰۰۲ هـ به خاطر پیامد سیلاب اصفهان، افراد زیادی به دلیل طاعون مُردند و جمعیت زیادی مجبور به ترک شهر شدند.<sup>۸۱</sup> در نتیجه، تاریخ اجتماعی هم مدنظر مورخ است.

### مقایسه با دیگر تواریخ دوره صفوی

#### ۱. مقایسه با عالم‌آرای عباسی

یکی از مهم‌ترین تواریخی که هم‌زمان با نقاوة الآثار نگاشته شده، عالم‌آرای عباسی اسکندریبگ ترکمان منشی است. اسکندریبگ همانند افوشته‌ای نطنزی از شعر، آیات و احادیث در مقدمه‌سازی بحث و تکمیل تاریخ‌نگاری خود بهره برده است،<sup>۸۲</sup> اما او تبحر افوشته‌ای نطنزی را در استفاده از آیات، احادیث و اشعار ادبی در شرح بهتر حوادث تاریخی ندارد. اسکندریبگ، در بررسی تحولات ایالات خراسان، مازندران و آذربایجان در عالم‌آرای عباسی کمتر از گزاره‌های مذکور استفاده نموده و به‌طور واقع‌بینانه و با کمی نگرش مشیت‌گرایانه وقایع را دنبال نموده است.<sup>۸۳</sup> اسکندریبگ منشی همانند افوشته‌ای نطنزی در روند حوادثی که ضعف و معایب نظام صفوی را آشکار می‌سازد، به تقدیر الهی روی آورده و

۷۷. افوشته نطنزی، ۵۲۸، ۵۳۰.

۷۸. همو، ۵۲۹.

۷۹. همچنین از وقوع سیل در قم و خرابی کاروانسراهای اطراف حرم معصوم (س) و سیل در قزوین، کرمان، تفت و یزد اشاره دارد که سبب خرابی ساختمان‌های زیادی شد (افوشته‌ای نطنزی، ۵۲۹).

۸۰. همو، ۵۳۲.

۸۱. همانجا.

۸۲. ترکمان منشی، ۱/ ۱۵، ۱۷، ۳۵، ۵۳، ۴۴۰/۲، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۸۳، ۵۸۹، ۵۶۶، ۵۷۲، جم.

۸۳. همو، ۱/ ۳۶-۳۸؛ ۲/ ۵۹۹-۶۰۵.

از ذکر چگونگی و چرایی آن خودداری می‌کند.<sup>۸۴</sup> وی همانند افوخته‌ای نطنزی، در بیان حوادث دوران شاه عباس اول کاملاً تحت تأثیر بینش سلطنت‌گرایانه و شاهی آرمانی قرار داشته و شاه عباس اول را نمونه کامل شاهی آرمانی توصیف می‌کند.<sup>۸۵</sup> همچنین، منظومه فکری هر دو نویسنده در جهت مشروعیت بخشی به دولتمردان صفوی است.<sup>۸۶</sup> اسکندربیک ترکمان همانند افوخته‌ای نطنزی در روش تاریخ‌نگاری خود، از بیان علّی هر چند ناقص در شرح رویدادها استفاده نموده است.<sup>۸۷</sup> نکته مهم در روش تاریخ‌نگاری اسکندربیک ترکمان و افوخته‌ای نطنزی، دقت در ثبت حوادث و داشتن صداقت در شرح بسیاری از رویدادها است.

## ۲. مقایسه با تاریخ عباسی / روزنامه ملاجلال

منبع مهم دیگر عصر شاه عباس اول، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال منجم یزدی است که در مقایسه با نقاوة الآثار نگارشی ساده و روان‌تر دارد. منجم یزدی در نگارش تاریخ خود از شعر در شرح روایات تاریخی استفاده زیادی نمود که از شیوه‌های رایج تاریخ‌نگاری عصرش است.<sup>۸۸</sup> وی از اشعار شاعران این دوره چون مولانا تبریزی،<sup>۸۹</sup> مولانا ذوقی اردستانی،<sup>۹۰</sup> مولانا عتابی،<sup>۹۱</sup> مولانا خصالی کاشی،<sup>۹۲</sup> ضیاءالدین کاشی،<sup>۹۳</sup> میرزا حسینعلی

۸۴. شورمیخ، ۸۴؛ ترکمان منشی، ۳۴۶/۱؛ ۲.

۸۵. ترکمان منشی، ۴۶۰/۲.

۸۶. همو، ۱۱۳/۱؛ ۴۹۲/۲، ۵۱۴، جم.

۸۷. همو، ۱۱۱/۱؛ ۵۷۵/۲.

۸۸. منجم یزدی، ۲۳، ۲۹، ۳۷-۳۹، ۶۶، ۱۲۰-۱۲۲، ۲۰۷-۲۰۸، ۲۵۰-۲۵۱ و جم.

۸۹. همو، ۱۱۷.

۹۰. همو، ۱۲۶، ۴۴۲.

۹۱. همو، ۱۲۶-۱۲۷.

۹۲. همو، ۱۶۲-۱۶۳.

۹۳. همو، ۱۶۹، ۲۵۰.

نصرآبادی،<sup>۹۴</sup> بابا سلطان قمی،<sup>۹۵</sup> نصرآبادی،<sup>۹۶</sup> میرهاشم استرآبادی<sup>۹۷</sup> و جمال الدین خوانساری<sup>۹۸</sup> برای تکمیل تاریخ‌نگاری استفاده نمود. در تاریخ عباسی به نسبت نقاوة الآثار از ادبیات منظوم بیشتری استفاده شده‌است، با این تفاوت که افوشته‌ای نطنزی، اشعار منسوب به خود را بیان نموده‌است، لذا از اهمیت بیشتری برخوردار است. نکته دیگر، روش منجم یزدی در استفاده از حروف ابجد با کمک مصرع شعری در ذکر تاریخ وقایع خاص یا تاریخ ساخت یک اثر است که به مقدار زیاد از این شیوه استفاده کرده‌است<sup>۹۹</sup> ولی افوشته‌ای نطنزی چنین روشی در ذکر تاریخ رویدادها ندارد. همچنین منجم یزدی برعکس افوشته‌ای نطنزی، به ندرت از آیات و احادیث در بیان رویدادها استفاده نموده‌است و یک نمونه محدود آن در ارجاع به آیه، در قسمت شرح درگذشت تهماسب اول است.<sup>۱۰۰</sup> نکته آخر این‌که، منجم یزدی وقایع را روزنامه‌وار با ترتیب سال و ذکر حوادث مهم آن سال نوشته‌است و در بیان رویدادها، به دنبال علت و زمینه آن رویداد، حتی در سطح بیان ساده علی‌همچون افوشته‌ای نطنزی نبوده‌است.

### ۳. مقایسه با خلاصة التواریخ

خلاصة التواریخ قاضی احمد حسینی قمی نیز از منابع هم سطح و هم عصر افوشته‌ای نطنزی می‌باشد که مقایسه آن دو حائز اهمیت است. خلاصة التواریخ به شیوه موضوعی و همراه با ترتیب سنوات به مانند نقاوة الآثار نوشته شده‌است. از روش‌های حسینی قمی در

۹۴. منجم یزدی، ۱۸۹.

۹۵. همو، ۲۰۶.

۹۶. همو، ۲۰۸.

۹۷. همو، ۲۵۰.

۹۸. همو، ۴۴۲-۴۴۳.

۹۹. همو، ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۰۸، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۵۰، ۲۵۷، ۳۰۶، ۳۲۴، ۳۵۹ و جم.

۱۰۰. همو، ۲۲.

نگارش بعضی از موضوعات کتاب، مقدمه‌سازی برای ورود به متن هست، به خصوص در بیان سلطنت شاه اسماعیل دوم و قتل یعقوب خان ذوالقدر به خوبی از این روش همانند افوشته‌ای نطنزی استفاده نموده‌است.<sup>۱۰۱</sup> وی در بیان حوادث همانند افوشته‌ای نطنزی از شعر در آغاز و تکمیل بحث استفاده زیادی کرد.<sup>۱۰۲</sup> از شعر شعرای چون مولانا عبدی جنابدی،<sup>۱۰۳</sup> محتشم کاشانی<sup>۱۰۴</sup> و قوام الدین شیرازی (۷۳۶) در شرح رویدادها بهره برد. در مقایسه با نقاوة الآثار، اثر حسینی قمی از ادبیات منظوم بیشتری بهره برده‌است. در خلاصه التواریخ علاوه بر شعر، از آیات و احادیث در تکمیل رویدادها استفاده شده‌است.<sup>۱۰۵</sup> ولی نویسنده، تبحر افوشته‌ای را در این زمینه ندارد. همچنین، متن خلاصه التواریخ از پیوستگی محتوایی خوبی در بیان وقایع برخوردار است ولی از زمینه‌های وقوع رویدادها به مانند منابع عصرش صحبتی نمی‌کند، در این زمینه افوشته‌ای نطنزی بهتر عمل کرده‌است. در شیوه تاریخ‌نگاری حسینی قمی از آیات در تفسیر تأویلی رویدادهای تاریخی، بندرت استفاده شده‌است.<sup>۱۰۶</sup> اما افوشته‌ای نطنزی به مقدار زیاد از این شیوه در نگارش خود استفاده کرده‌است. مورد آخر این‌که، حسینی قمی همانند افوشته‌ای نطنزی، شاه عباس صفوی را بانی نظم، امنیت و عدالت معرفی نموده‌است.<sup>۱۰۷</sup>

۱۰۱. حسینی قمی، ۶۱۵/۲، ۹۱۵-۹۱۶.

۱۰۲. همو، ۶۱۶-۶۲۱، ۶۳۴-۶۳۵، ۶۴۶-۶۴۷، ۶۷۳، ۶۵۰، ۶۸۵، ۶۹۵، ۷۰۶، ۷۱۵، ۷۹۰، ۹۱۱، ۹۱۴، ۹۱۸، ۹۲۰ و جم.

۱۰۳. همو، ۷۳۴-۷۳۵.

۱۰۴. همو، ۶۱۹-۶۲۱.

۱۰۵. همو، ۷۸۸/۲، ۷۸۹، ۷۹۲، ۸۳۷، ۹۱۶.

۱۰۶. همو، ۷۹۳/۲، ۹۱۶.

۱۰۷. همو، ۹۲۳/۲.

#### ۴. مقایسه با تکملة الاخبار

تکملة الاخبار عبدی بیگ نویدی شیرازی یکی از منابع دوره صفوی هست که در برخی جنبه‌های تاریخ‌نگاری با نقاوة الآثار قابل مقایسه است. در تکمة الاخبار به مانند نقاوة الآثار از ادبیات منظوم شعری، چه در آغاز و چه در تکمیل رویدادها استفاده شده است.<sup>۱۰۸</sup> همچنین به آیات، در بیان رویدادهای مهم و خاص ارجاع داده شده است<sup>۱۰۹</sup> اما در مقایسه با نقاوة الآثار، ارجاعات کمتری در این زمینه دارد. نگاه نویسنده به شاه اسماعیل و چگونگی به قدرت رسیدنش همانند دیگر مورخان این عصر، مشیت‌گرایانه بوده و آن را مقدمه ظهور مهدی موعود (عج) تعبیر نموده است<sup>۱۱۰</sup> ولی افوشته‌ای نطنزی به این قسمت از تاریخ صفوی توجه‌ای نداشته است، زیرا به نسبت نویدی شیرازی متعلق به دوره متقدم تاریخ‌نگاری صفوی نیست.

#### ۵. مقایسه با خلاصة السیر

خلاصة السیر محمد معصوم بن خواجه اصفهانی از دیگر منابع عصر میانه صفوی است که در برخی جنبه‌های تاریخ‌نگاری با نقاوة الآثار قابل مقایسه است. روش تاریخ‌نگاری خلاصة السیر کاملاً روایی و نویسنده تلاشی در شناخت زمینه و علت رویدادها ندارد و از این حیث در مقایسه با نقاوة الآثار کم اهمیت است. در خلاصة السیر به مانند نقاوة الآثار از شعر در آغاز و تکمیل رویدادها استفاده زیادی شده است.<sup>۱۱۱</sup> همچنین خواجه اصفهانی در برخی موارد همانند افوشته‌ای نطنزی از روش مقدمه‌سازی برای ورود به متن استفاده

۱۰۸. نویدی شیرازی، ۳۳، ۴۰-۴۱، ۸۴-۸۵، ۱۲۰-۱۲۵-۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۸، ۱۵۰ و جم.

۱۰۹. همو، ۳۶، ۳۸.

۱۱۰. همو، ۳۸.

۱۱۱. خواجه اصفهانی، ۳۷، ۴۲، ۴۴-۴۶، ۵۲-۵۷، ۵۵، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۵۰، ۲۹۱، ۳۰۲-۳۰۳ و جم.

نموده است مانند گزارش قتل زینل بیگ شاملو؛<sup>۱۱۲</sup> ولی در مقایسه با نقاوة الآثار در سطح کمتری از این شیوه بهره برده است. وی در بیان برخی رویدادها، از آیات و احادیث استفاده نموده و در برخی موارد با بیان تأویلی به شرح رویدادها پرداخته است<sup>۱۱۳</sup> ولی تبصره افوشته‌ای نظنزی در بیان تأویلی رویدادها ندارد. خواجگی اصفهانی به مانند افوشته‌ای نظنزی از پادشاه صفوی زمانش یعنی شاه صفی به عنوان پادشاه کامل یاد می‌کند و با آیات مختلف به توصیف جامعیت صفات شاه می‌پردازد.<sup>۱۱۴</sup> وی همانند افوشته‌ای نظنزی، نگرش نخبه‌گرایان به دولت مردان صفوی دارد و مخالفین حکومت مانند غریب شاه گیلانی و گیلانی‌های اطرافش را شورشی و یاغی معرفی می‌کند.<sup>۱۱۵</sup>

#### نتیجه

نقاوة الآثار افوشته‌ای نظنزی از نوع تاریخ‌نگاری سلسله‌ای رسمی است که در نگارش آن، از آرایه‌های ادبی، کلمات عربی، آیات قرآنی و احادیث استفاده فراوانی شده است. افوشته‌ای نظنزی، از مضامین شعری منسوب به خود در نگارش تاریخ استفاده بسیاری نموده و دارای نثری تقریباً مصنوع و متکلف است. وی با نگارش این اثر، بیشتر در قامت ادیب مورخ ظاهر شده است. تاریخ در نظرش، ثبت تحولات مهم زمان بود و موضوعات مورد توجه مورخ، بیشتر تحولات سیاسی مربوط به شاهان صفوی و نخبگان حکومتی است. نکته دیگر روش تاریخ‌نویسی اش است که از انسجام متن و رعایت اعتدال در نقل روایات تاریخی (به جز روایت مربوط به شاهان صفوی)، برخوردار است. ضعف عمده روش تاریخ‌نگاری افوشته‌ای نظنزی، عدم ذکر منابع، مستندات، مسموعات و مشهودات است، در حالی که به

۱۱۲. خواجگی اصفهانی، ۲-۹۳.

۱۱۳. همو، ۷۹، ۹۲، ۹۳، ۲۶۸-۲۶۹.

۱۱۴. همو، ۲۵-۲۶، ۳۱، ۳۲.

۱۱۵. همو، ۵۰.

احتمال زیاد از منابع مختلفی استفاده نموده‌است. ضعف دیگر این‌که، به خاطر توجه زیاد به حوادث سیاسی و نظامی مرتبط با حکومت مرکزی، به مسائل اجتماعی، اقتصادی و توده مردم جامعه توجه کمتری نموده‌است، هرچند در مقایسه با منابع اولیه دوره صفوی و هم‌زمانش، رویکرد بیشتری به تاریخ اجتماعی دارد و تبدیل به تمایز تاریخ‌نگاری‌اش شد. وی به نسبت مورخان دوره شاه عباس اول به خاطر تسلط بر آیات، احادیث و مضامین شعری، از نگرش تأویلی بیشتری در تفسیر رویدادها برخوردار است. همین امر او را از دیگر مورخان عصر شاه عباس اول متمایز و نگاهش را به تاریخ، اخلاقی، مثبت و نثرش را متکلف نموده‌است.

### کتابشناسی

- آقاجری، هاشم، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران، طرح نقد، ۱۳۹۵ش.  
استنفورد، مایکل، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ش.  
اشراقی، احسان، پیشگفتار نقاوة الآثار، افوشه‌ای نطنزی.  
افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، به‌کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ش.  
آرام، محمد باقر، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳ش.  
باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، خودمشت مالی، تهران، علم، ۱۳۹۳ش.  
براندیج، آنتونی، رویارویی با منابع، راهنمای پژوهش و نگارش در تاریخ، ترجمه محمد غفوری، تهران، سمت، ۱۳۹۶ش.  
بهرام‌نژاد، محسن، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه با تکیه بر هویت فرهنگی، تهران، سمت، ۱۳۹۷ش.  
ترکمان‌منشی، اسکندربیگ، عالم‌آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.  
ترکمنی آذر، پروین، تاریخ‌نگاری در ایران از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲ش.  
ثواقب، جهانبخش، تاریخ‌نگاری، عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز، نوید، ۱۳۸۰ش.

- حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین، خلاصة التواریخ، به کوشش احسان اشراقی، ۲ ج، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۳ ش.
- خواجگی اصفهانی، محمد معصوم، خلاصة السیر، تهران، علمی، ۱۳۶۸ ش.
- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ ش.
- روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.
- رویمر، هر، «دوره صفویان» از مجموعه تاریخ ایران کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۹۳ ش.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
- ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
- شورمیچ، محمد، «روش و بینش تاریخ‌نگاری اسکندربیگ در عالم آرای عباسی با تکیه بر وقایع گیلان»، دوفصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء، دوره جدید شماره ۱۴، پاییز و زمستان، ۱۳۹۳ ش.
- طباطبایی، سیدجواد، خواجه نظام‌الملک، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ ش.
- همو، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ ش.
- کویین، شعله. ای، تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
- منجم یزدی، ملاجلال، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶ ش.
- نوزاد، فریدون، نامه‌های خان احمد گیلانی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۳ ش.
- نوایی عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۱ ش.
- نویدی شیرازی، عبدی بیگ، تکملة الاخبار، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، نی، ۱۳۶۹ ش.
- هینتس، والتر، شاه اسماعیل دوم صفوی، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.